

از تجربه تا آرزو کردن، مهم‌ترین قانون آرزوی خوب

قوانین حاکم بر آرزوها، قانون پنجم: بهره‌برداری قبلی از آرزوها

بهره‌برداری قبلی شرط آرزو کردن است. همان‌طور که در مقاله آرزویی که می‌شناسیم توضیح دادیم، ما چیزی را می‌خواهیم و آرزو می‌کنیم، که با آن آشنا باشیم و حالا می‌خواهیم، این نکته را اثبات کنیم که خواستن ما در گرو بهره‌برداری قبلی از یک پدیده است.

اما این نکته دقیقاً به چه معناست؟

ذهن ما برای شناخت پدیده‌ها از راه‌های گوناگونی استفاده می‌کند، که یکی از آن‌ها طبقه‌بندی است. طبقه‌بندی به ما کمک می‌کند که خصوصیات مشترک را میان پدیده‌های مختلف پیدا کرده و به شناختی کلی از آنها دست پیدا کنیم. تا به حال برایتان پیش آمده، نامی را بشنوید که بسیار برایتان عجیب و ناشناخته باشد، به حدی که حتی نتوانید آن را در دسته‌بندی‌های آشنای ذهنتان بگنجانید؟ در این صورت تا زمانی که دسته‌بندی درست را پیدا نکنید، هیچ‌گونه شناختی هم برایتان وجود نخواهد داشت. اما به محض این که توضیح یا توصیف کوچکی ضمیمه آن نام قرار می‌گیرد، ذهن دسته‌بندی اولیه را انجام داده و تکلیف خود را با پدیده تازه مشخص می‌کند.

مثلاً واکنش شما در قبال شنیدن کلماتی مانند ترگیل^۱، پوهالا^۲ یا تاماریلو^۳ چیست؟ اگر تاکنون این نام‌ها را نشنیده باشید، ذهنتان میان دسته‌های بزرگ گیاهان، جانوران و مکان‌ها سردرگم مانده است. اما به محض این که کلمه میوه در کنار این نام‌ها قرار می‌گیرد، دسته‌بندی اولیه شکل خواهد گرفت. این دسته‌بندی اولیه شناختی جزئی ایجاد می‌کند، شناختی هم‌سو با درکی که ما از کلیت میوه‌ها داریم. همین شناخت کلی زمینه‌ساز خواستن و آرزو کردن است. ما میوه‌ها را می‌شناسیم و قبلاً از انواع مختلف آنها

۱. میوه ای بومی در هند با نام منگوسین که بسیار شبیه به تخم شترمرغ است.

۲. این میوه عجیب در قسمت‌های استوایی شرق استرالیا رشد می‌کند و می‌شود آن را به طور خام یا پخته خورد. Hala.

۳. یکی از میوه های عجیب دنیا بوده که نژاد آن به گوجه فرنگی معمولی می‌رسد Tamarillo.

استفاده کرده‌ایم؛ در نتیجه همین استفاده حالا میل داریم که ترگیل، پوهالا و تارماریلو را هم امتحان کنیم. اگر ما پیش از این هیچ تجربه‌ای از میوه خوردن نداشتیم، این نام‌ها هنوز هم نمی‌توانستند، برای ما آرزویی تولید کنند. به عبارت دیگر:

❖ **خواستن یا طلب چیزی که تجربه استفاده از آن را نداشته‌ایم، محال است.**

پس مطلوب همیشه معروف، یعنی شناخته شده است. بنابراین نوعی از شناخت یا بهره‌برداری باید وجود داشته باشد، که طالب چیزی بشویم. این طلب‌ها و آرزوهای ما هستند، که حکم می‌کنند چگونه زندگی کنیم، چقدر تلاش کنیم، به چه چیزهایی فکر کنیم یا حتی از چه چیزهایی شاد و غمگین شویم. اما سؤال اساسی این است که اصل و ریشه **طلب** و **آرزو** در وجود انسان چیست؟ تا این‌جا به بیان چهار اصل از پنج اصل **طلب** پرداخته‌ایم و در این مقاله قصد داریم به پنجمین و آخرین قانون از قوانین جهانی آرزوها پردازیم. قانونی که بیان می‌کند:

❖ **«طلب هر چیز فرع بر بهره‌برداری قبلی از آن چیز است.»**

طلب، حاصل بهره قبلی

در چهار اصل اول **طلب** متوجه شدیم که اگر چیزی را **می‌خواهیم**، پس حتماً وجود دارد. بین ما و چیزی که **طلب** می‌کنیم، حتماً سختی وجود دارد و تا ظرفیت لازم برای پذیرش **مطلوب** در وجود ما نباشد، در ما **طلبی** ایجاد نمی‌شود و **طلب** یک چیز نیاز به **شناختی** هرچند اندک از آن دارد. حالا به ویژگی پنجم می‌پردازیم که؛ **طلب** هر چیز به **بهره‌برداری** قبلی از آن بستگی دارد.

یعنی اگر ما با شنیدن واژه‌های گل چاکلت کاسموس^۴، شیرینی Durian^۵ و دریاچه مومیایی^۶ نسبت به آنها تمایل و رغبتی حس کنیم، به دلیل آشنایی ما با گل، شیرینی و دریاچه است. ما تجربه استفاده قبلی از این پدیده‌ها را داشته‌ایم. قبلاً گل را بو کرده یا از زیبایی آن لذت برده‌ایم، طعم شیرینی‌ها را چشیده‌ایم و حضور در ساحل یک دریاچه را تجربه کرده‌ایم.

درست مانند کودکی که قبلاً شکلات خورده و با وعده شکلات، به یاد طعم آن افتاده و به سمت ما می‌آید؛ پس:

❖ اگر در آرزوی داشتن چیزی هستیم، حتماً تجربه بهره‌برداری قبلی از آرزویمان را داریم.

ما چیزی را آرزو می‌کنیم، که از قبل نسبت به آن شناخت و آشنایی داشته باشیم و علاوه بر شناختی که از آن داریم، قبلاً هم به نوعی از آن بهره‌مند شده یا از آن لذتی برده باشیم. تنها در این صورت است که آرزوی تجربه مجدد آن حس خوب و خوشایند را در درون خود احساس کرده و برای تکرار آن تجربه، تلاش خواهیم کرد. مثلاً اگر ما تجربه لذت بردن از علم، قدرت، زیبایی، ثروت و... را داشته باشیم، دوباره آن را آرزو می‌کنیم.

چرا قوانین جهانی آرزوها؟

شاید در طی خواندن این سلسه مقالات این سؤال برای شما هم پیش آمده باشد، که دلیل تأکید ما بر ترکیب «قوانین جهانی آرزوها» چیست و چرا اصول طلب را این‌طور نامگذاری کرده‌ایم؟

۴. یکی از نادرترین گیاهان دنیاست و اصالتش به مکزیک بازمی‌گردد.
۵. این شکلات‌ها در جنوب شرقی آسیا محبوبیت زیادی دارند.
۶. دریاچه ناترون (Lake Natron) دریاچه ناترون تانزانیا

در واقع دلیل ما در اصل سؤال وجود دارد؛ این قوانین جهانی هستند و تمام آرزوهای ریز و درشت در تمام جهان از این قوانین پیروی می‌کنند، تمام این پنج قانون در تمامی آرزوهای تمامی مردم جهان رعایت می‌شوند. فهم و درک درست چنین اصل کلی و جهان‌شمولی حتماً می‌تواند، در فهم ما از خودمان تأثیرگذار باشد. ما به این مسئله در مقاله بعدی خواهیم پرداخت و از دل این قوانین کلی اصولی را استخراج خواهیم کرد که به میل بی‌نهایت‌طلبی ما و ریشه آن مربوط است.

در این مقاله به پنجمین اصل **طلب** پرداختیم و دانستیم که تا **بهره‌برداری** قبلی وجود نداشته باشد، **طلب** امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر طلب هر چیز فرع بر بهره‌برداری قبلی از آن چیز است و در نتیجه اگر چیزی را می‌خواهیم و آرزو می‌کنیم پس حتماً تجربه بهره‌برداری قبلی از آرزوی خود را داریم.

حالا یک بار دیگر پنج قانون جهانی آرزوها را با هم مرور می‌کنیم:

1. اگر ما چیزی را آرزو می‌کنیم، پس حتماً وجود دارد.
2. اگر ما چیزی را آرزو می‌کنیم، پس حتماً میان ما و آرزوی مان سختی وجود دارد.
3. اگر ما چیزی را آرزو می‌کنیم، پس حتماً ظرفیت پذیرش آن در ما وجود دارد.
4. اگر ما چیزی را آرزو می‌کنیم، پس حتماً آن را می‌شناسیم.
5. اگر ما چیزی را آرزو می‌کنیم، پس حتماً تجربه بهره‌برداری قبلی از آرزوی مان را داریم.

حالا اگر دوست دارید که بدانید، این **قوانین** چگونه به ما در **شناخت** معشوق حقیقی مان کمک می‌کنند، مقاله «آیا موجود بی‌نهایت وجود دارد؟» را بخوانید.